

محلہ‌ی گم شدہ

پاتریک مودیانو

مترجم: اصغر نوری

www.ketab.ir



۱۳۹۳

www.ketab.ir

سرشناسه:	مودیانو، پاتریک. ۱۹۴۵ - Mudiانو, Patrick
عنوان و نام پدیدآور:	مجله‌ی گم‌شده / پاتریک مودیانو؛ ترجمه‌ی مصغر افران
وضعیت نشر:	تهران: افران، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری:	۲۰۰ ص
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۳-۰۹۵-۶
وضعیت فهرست‌نویسی:	قیفا
یادداشت:	عنوان اصلی: Quartier perdu: roman. c1984.
موضوع:	داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰م.
شناسه افزوده:	نوری، اصغر، ۱۳۵۵-، مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۸م ۳/۴ PQ۲۳۸۱
رده‌بندی دیویی:	۸۴۳ / ۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی:	۱۸۰۱۵۵۹



انتشارات افراز

دفتر و فروش: فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، بن بست افشار، پلاک ۰۱، واحد ۵.

تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز بخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

طراحی گم شده

تیک مودیانو

ترجمه: اصغر ری

نویسندگان: چاپ ۱۳۸۳

طراح جلد: یاسین محمدی - افراز

لیتوگرافی / چاپ / صحافی: تریخ / تصویر

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۸۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله،

چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

یادداشت مترجم

پاتریک مور (نویسنده) در ۳۰ ژوئن ۱۹۴۵ در بولونوی بیلانکسور به دنیا آمد؛ شهری در جنوب غربی پاریس، که از جنوب و غرب به رود سین مشرف است، از طرف شرق به ناحیه‌ی شانزدهم پاریس و از شمال به جنگل بولونوی. پاتریک در کودکی به همراه برادرش رودی در مدرسه‌های شبانه‌روزی آنسی و پاریس گذرانید. پدرش زندگی رازآلودی داشت و به‌رغم رگ و ریشه‌ی یهودی، در دوران اشغال فرانسه با همکاری بعضی از سازمان‌های آلمانی به تجارت قاچاق مشغول بود. مادرش هم یک بازیگر بلژیکی و در تمام مدت که اغلب به همراه گروه‌های تئاتری از شهری به شهر دیگر سفر می‌کرد، نمایش اجرا کند. مرگ برادرش در نوجوانی ضربه‌ی سختی برای پاتریک بود و باعث شد او تنهایی را با تمام وجودش لمس کند. مودیانو اولین رمانش را در بیست‌ودو سالگی نوشت؛ *انوال*، که جوایز روزه نیمه‌سده و فننون را برای او به ارمغان آورد. یک‌شبه معروفش کرد. او با رمان‌های بعدی‌اش دو جایزه‌ی معتبر ادبیات فرانسه را کسب کرد و خیلی زود به یکی از مطرح‌ترین نویسندگان فرانسوی بدل شد: جایزه‌ی بزرگ رمان آکادمی فرانسه

برای بلوارهای کمربندی (۱۹۷۲) و جایزه‌ی گنکور برای خیابان بوتیک‌های تاریک (۱۹۷۸). جستجوی بی‌پایان پدری غایب و هویت شخصی، غوطه‌وری در خاطرات گذشته و توصیف پاریس تحت اشغال تم‌های اصلی آثار این دوره از نویسندگی مودیانو بودند. او با این‌که زمان اشغال فرانسه را ندیده بود، چنان دقیق این دوره را به تصویر می‌کشید که باعث حیرت مخاطبان و حتی خودش می‌شد: فقط بیست سال داشتم اما خاطره‌ام به قبل از تولدم برمی‌گشت. مثلاً حتی داشتم که در فرانسه‌ی تحت اشغال زندگی کرده‌ام، چون بعضی سخنرانی‌های این دوره را می‌شناختم و جزئیاتی را به یاد می‌آوردم که هیچ‌گاه در کتاب‌های تاریخی به آنها اشاره نشده بود. با وجود این، سعی می‌کردم بر روی روی جاذبه‌یی که من را به عقب می‌کشید مقاومت کنم و خودم را از دست این حافظه‌ی مسموم خلاص کنم.»

دنیای داستانی مودیانو در فرانسه‌ی اشغال‌زده، مخاطره‌آمیز و اندوهبار است؛ چیزی بین رومانسیسم و کمدی‌های نوآر بین اسکات فیتز جرالده و ژرژ سیمنون. این دنیا سرشار است از ابهام و به عذاب‌ها و سؤال‌هایی می‌پردازد که در کودکی ریشه‌هایش دارند: نگرانی از ترک‌شدن، جذابیت دنیای تجارت‌های سیاه و برقراری، میل به نفوذ در دل معماها و دست یافتن به محرک‌ها. رمان‌هایی که باعث می‌شوند انسان‌هایی که به ظاهر رو در روی یکدیگرند، به هم ارتباط برقرار کنند، دو مسئله‌ی مهم به این درون‌مایه‌ها اضافه می‌شوند: بی‌ریشه‌بودن و احساس تنهایی. زاوی رمان‌های او، اغلب آن‌هایی است که روی ردپاهای کم‌رنگ گذشته راه می‌رود و دنبال هویت خود می‌گردد.

شخصیت‌های مودیانو همیشه ناآرام هستند و هیچ‌وقت احساس آرامش نمی‌کنند. آنها درباره‌ی هیچ چیز اطمینان ندارند؛ نه درباره‌ی رگ و ریشه‌ی خود، نه سرگذشت خود، نه حافظه‌ی خود، نه زندگی‌یی که از سر می‌گذرانند و نه احساسات‌شان. فقط سعی می‌کنند تا آن‌جا که می‌توانند زنده بمانند. آدم‌هایی هستند متعلق به گذشته؛ دیگر وجود ندارند، یا این‌که تقریباً دیگر وجود ندارند (رمان خیابان بوتیک، تالیف، با این جمله آغاز می‌شود: من هیچم. هیچ جز شش می‌روم...) اشباحی شناور در زمان حال که فقط به واسطه‌ی روزگار که سر گذرانده‌اند زنده‌اند و همواره در کمین چیزی هستند که برآند آنها دوباره به دوره‌یی ناپدیدشده وصل کند. برای ضدقهرمان‌های مرد در، در آن اشغال فرانسه و سال‌های دهه‌ی ۶۰، دو دوره‌ی مسحورکننده‌ی آن که دیدن نشانه‌یی جزیی یا شنیدن خاطره‌یی کوچک از این دو دوره، زندگی گذشته‌شان را به یاد می‌آورد؛ گویی بالای چاهی بی‌انتها ایستاده‌اند و به تصویر لرزان و سرگیجه‌آور خود نگاه می‌کنند.

پاریس جایگاه مهمی در آثار مودیانو دارد. می‌توان گفت یکی از شخصیت‌های اصلی رمان‌های اوست. تعجب‌ناخواهم کرد بینیم نویسنده‌ای که زمانی از سالنامه‌های دهه‌ی شصت و هفتاد پاریس کلکسیون ساخته بود، آخرسر هنرش را وقف کاری شده است. آثار او می‌تواند این رویکرد تازه را به‌خوبی وارد چارچوب خيال و داستان کند و کتاب‌هایی بنویسد نظیر *جوانی* (۱۹۸۱)، *گمشده* (۱۹۸۴)، *یکشنبه‌های اوت* (۱۹۸۶)، *تخفیف مجازات* (۱۹۸۸)، *سفر ماه‌عسل* (۱۹۹۰)، *گل‌های ویرانی* (۱۹۹۱)، *سگ بهار* (۱۹۹۳)، *فراتر از فراموشی* (۱۹۹۶)، *غریبه‌ها* (۱۹۹۹)، *دورا برودر* (۱۹۹۷)، *نگین کوچولو* (۲۰۰۱)، *تصادف شبانه* (۲۰۰۳)، *شجره‌نامه* (۲۰۰۵) و

در کافه‌ی جوانی گمشده (۲۰۰۷) که موقع خواندن آنها حس می‌کنیم در حال قدم زدن در کوچه‌ها و خیابان‌های پاریس هستیم، نویسنده اسم همه‌ی کوچه‌ها، خیابان‌ها، چهارراه‌ها، میدان‌ها، ایستگاه‌ها و... را با جزئیات کامل می‌آورد و ما را با خود به محله‌ها و کافه‌های این شهر می‌برد. به همراه قهرمان داستان دنبال چیزی از گذشته در زمان حال می‌گردیم که هیچ‌کدام مان به درستی نمی‌دانیم چیست.

او در این دوره از نویسندگی‌اش به خط‌سیرهای شخصی و شخصیت‌های زن می‌پردازد و با بردن رمان به مرزهای زندگی‌نامه، کتب خاطرات، اشخاص خیالی را به اشخاص پیوند می‌زند که بدون هیچ‌گونه مایه‌گر خود نویسنده هستند. مودیانو بدون دست بردن در سبک و موزون‌سازی خود را بیشتر از پیش به دست راوی رمان می‌سپارد و از آن‌ها نویسنده را به هر کجا که خواست می‌برد، نگرانی از ناپدید شدن نام اصلی آثار این دوره است.

مودیانو نثری سهل و ممتنع دارد؛ جملاتی کوتاه و معمولاً عاری از پیچیدگی‌های زبانی، نثری ساده و روان که مثل لغزیدن آرام راوی در کوچه‌های پاریس، به آرامی روی کتاب می‌لغزد. قهرمان کتاب در زمان حال پرسه می‌زند اما انگار در گذشته است؛ حال را گذشته می‌بیند، گذشته را به حال می‌آورد.

تقریباً در همه‌ی رمان‌های مودیانو، اتفاق مبهمی در گذشته روی داده است که مثل یک معما بر زندگی فعلی شخصیت‌ها سایه می‌اندازد و تعلیق رمان را به وجود می‌آورد. در زمان حال، شخصیت اصلی تلاش می‌کند این معما را حل کند، اما این تلاش به اتفاق قابل توجهی منجر نمی‌شود. با شخصیت‌های زیادی روبه‌رو می‌شویم، داستانک‌های زیادی بازگو می‌شود، ترس‌ها و تردیدهای بسیاری را

حس می‌کنیم، اما از آن اتفاق‌های داستانی که سلسله‌ی از اتفاقات دیگر را در پی می‌آورند و منجر به گره‌زنی و گره‌گشایی می‌شوند، خبری نیست.

هنر مودیانو در این است که از روزمرگی‌های شخصیت‌هایش داستان می‌سازد. با این‌که این شخصیت‌ها در طول پرسه‌زدن‌ها و روزمرگی‌هاشان همیشه در جستجوی چیزی یا کسی هستند، اما هیچ‌وقت به آن نمی‌رسند و حتی در میانه‌ی کار، یا درست نمی‌دانند دنبال چه می‌گردند و یا خودِ روزه‌مرگی چنان جذب‌شان می‌کند که جستجو را فراموش می‌برند. آنها در پی کشف چیزی هستند که نسبت به نسبت آن در دست‌تردید می‌شوند؛ در همین نکته، کشفی پنهان است که مودیانو می‌خواهد قهرمان داستان (خودش؟) و مخاطب به آن نایل شوند.

اصغر نوری، پاییز ۸۹

* این نوشته خلاصه‌ای است از مقاله‌ای در مجله‌ی «پاتریک مودیانو؛ نقاشی خاطرات، لذت خواندن» شماره‌ی ۹۱ مجله‌ی گلستانه، تهران، شهریور ۸۷، به چاپ رسیده است. در زمان چاپ این مقاله، از میان آثار پاتریک مودیانو، کتاب‌های «سایان بوتیک‌های تاریک» با ترجمه‌ی خانم فروغ احمدی و «کوجولو (مرا نگین کوچولو می‌نامیدند)» با ترجمه‌ی خانم فروغان در ایران منتشر شده بود.